



نگاهی به سند راهبردی فدراسیون کشتی برای قهرمانی در المپیک

در گفت‌وگو با امیر ثامن‌ی از تدوین‌کنندگان برنامه ۸ ساله

کشتی چراغ «برنامه» را در ورزش روشن می‌کند



گفت‌وگو سعیداحمدیان

۲۹ ماه بود که از سند راهبردی فدراسیون کشتی تا سال ۲۰۲۸ رونمایی شد؛ سندی که هدف نهایی آن قهرمانی کشتی در المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس است. یک برنامه بلندمدت که در ورزش کشورمان کمتر به آن توجه شده؛ برنامه‌ای که از سوی کارشناسان برنامه و بودجه و دانشگاه شریف تدوین شده است. در گفت‌وگو با امیر ثامن‌ی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه شریف که مسئولیت تدوین سند راهبردی کشتی را بر عهده داشته است، در این باره صحبت کرده‌ایم.

برنامه ۸ ساله فدراسیون کشتی برای قهرمانی در المپیک ۲۰۲۸ سه‌گوشه رونمایی شد، در ابتدا چه شد که فدراسیون کشتی به سمت تدوین چنین برنامه‌ای رفت، به خصوص که سال‌هاست یکی از ضعف‌های ورزش نداشتن برنامه‌ای با افاق کوتاه‌مدت یا بلندمدت است.

از یک سال و هفت ماه پیش که آقای علی‌زادبیر به عنوان رئیس فدراسیون کشتی انتخاب شدند، برای تدوین یک برنامه عزم داشتند تا فرایندهای مربوط به فدراسیون را بر ریل برنامه‌ریزی استوار کنند. با توجه به این تصمیم از دانشگاه شریف که پیش از این سابقه نگارش برنامه توسعه در شهرداری را داشته، دعوت کردند که در حوزه کشتی هم کمک کنند و از دانش برنامه‌ریزی در این زمینه استفاده شود. از آن روز این فرایند آغاز شد. وقتی به فدراسیون مراجعه کردیم که برنامه‌هایشان را در اختیار ما قرار بدهند، هیچ چیزی نبود و همانطور که آقای دبیر اشاره کرده‌اند، کشتی حتی یک برگ هم برنامه نداشت. حتی از هیئت‌های استانی کشتی خواستیم آمار کشتی‌گیران، مربیان و تشک‌ها را که ما بدهند اما آمار ی نداشتند که با فقر شدید آمار و اطلاعات روبه‌رو بودیم. چه در داخل فدراسیون و چه در حوزه پژوهشی با توجه به فقر آمار و اطلاعات و دیتا در حوزه کشتی مواجه بودیم و پژوهش خاصی چه عددی و کیفی درباره کشتی موجود نبود. به همین خاطر مجبور شدیم به مصاحبه با پیشکسوتان و صاحب‌نظران حوزه کشتی اتکا کنیم تا نظراتشان را جوینا شویم و با تحلیل محتوایی که از دل این مصاحبه‌ها درباره ضعف و قوت‌ها و نیازهای کشتی صورت می‌گرفت، به نتایجی برسیم. شیوع کرونا اما کارمان را تحت تأثیر قرار داد. قرار بود یک ماه پیش از سند راهبردی فدراسیون رونمایی شود اما به دلیل این بیماری عقب افتاد.

در مصاحبه‌هایی که با صاحب‌نظران کشتی داشتید، روی چه محور‌هایی لب این مباحثه برای رسیدن به یک تصویر کلی از وضعیت کشتی و آینده‌ای که می‌خواهید تدوین کنید، شکل گرفت؟

با حدود ۲۰ نفر از پیشکسوتان، قهرمانان، صاحب‌نظرها و ... مصاحبه صورت گرفت و چند سؤال به صورت مشترک از همه این افراد پرسیده شد. کشتی با چه چالش‌هایی روبه‌روست؟ شما با توجه به پتانسیل کشتی چه چشم‌اندازی برای این ورزش قائل هستید و چه راهکارهایی را برای تحول در کشتی پیشنهاد می‌دهید؟ بر اساس این سه محور سؤالاتمان را مطرح کردیم و نظرات را جویا شدیم و در نهایت پس از پالایش این مصاحبه‌ها به ۴۰ مسئله اصلی که کشتی با آن درگیر است، رسیدیم. مسائلی که کشتی در حوزه‌های مختلف مانند زیرساختی، مشکلاتی در خود فدراسیون و هیئت‌ها وجود داشت از جمله این موارد بود. در نهایت به شش مسئله بنیادی کشتی رسیدیم که ام‌المسالل این ورزش هستند.

ام‌المسالل کشتی چه بود؟ در باره این ۶ مسئله می‌خواهیم توضیحات بیشتری برابیمان بدهید.

اولین مسئله جمعیت پایین گیره‌هاست. ورود کشتی‌گیر به رده‌های نونهال و نوجوان کمتر شده است اما میزان خروجی زیاد شده و خیلی‌ها از کشتی خارج می‌شوند. دومین مسئله بی‌برنامگی و قانون‌گریزی نهادینه شده در درون فدراسیون کشتی است که بخش‌هایی مانند جرحه‌انتخابی ملی پوشان و حتی کادرفنی را در بر می‌گیرد و طبق این سند پیش‌بینی شده که بر اساس مؤلفه‌های مشخص و معینی و چارچوب‌های خاصی

مربیان تیم ملی مشخص شوند. سومین مسئله کمبود مالی مورد نیاز برای توسعه کشتی است، همانطور که آقای دبیر هم در مصاحبه‌شان اشاره کرده‌اند از ۱۲۵ میلیارد که کمیته ملی المپیک دریافت کرده‌است، تنها ۳ میلیارد آن به کشتی رسیده است. این در حالی است که در المپیک همه انتظارات برای کسب مدال بر دوش کشتی است و نیازمندان است که کشتی علاوه بر منابع دولتی، از منابع دیگری مانند اپ کشتی، اسپانسرهای مختلف، تبلیغات محیطی و ... استفاده کند. مسئله چهارم تضعیف برند کشتی است و الان کشتی‌گیران را در سطح جامعه نمی‌شناسند. این به خاطر شخصیت خود کشتی‌گیران و هم به دلیل کم‌توجهی رسانه‌هاست. راه‌اندازی برنامه طلایی در شبکه سوم تلویزیون، توجه ویژه رسانه‌ها و خبرهای کشتی، ساختن انیمیشن، ساخت برنامه تلویزیونی استعدادیابی کشتی از جمله برنامه‌هایی است که برای حل این مسئله مورد توجه فدراسیون است که با حضور اسپانسرها کلید می‌خورد. مسئله دیگر ضعف اساسی در حوزه آموزشی کشتی چه برای کشتی‌گیران و چه برای مربیان است. مورد آخر هم بحث افت تکنیکی و تکتیکی است که کشورمان است. در حال حاضر واقعا کشتی‌گیر تکنیکی در ایران کم داریم، یک زمان رسول خادغن‌مخصوص خودش را که به آن بزنگش می‌گفتند، داشت اما الان کشتی‌گیران ما در این زمینه با مشکل روبه‌رو هستند. این در حالی است که برخلاف ایران در سایر کشورها، کشتی‌گیر بر اساس آنالیزی که صورت می‌گیرد با یک تاکتیک مشخص وارد تشک می‌شود. یکی از برنامه‌هایی که پیش‌بینی شده است حضور تیم‌های آنالیز در تمرینات است که با آنالیز قبلی ملی‌پوشان کشتی با توجه به ضعف‌هایی که از رقبایشان شناسایی می‌شود، با تاکتیک‌هایی برای حضور در مسابقات آماده شوند که شانس پیروزی‌شان را بالا ببرد.

با توجه به این مشکلات، چشم‌انداز کشتی تدوین شده که در یک برنامه ۸ ساله قهرمان المپیک شویم، چطور به این هدف رسیدید؟ هدف بزرگی است و البته بلندبروازانه.

به شش مسئله اصلی کشتی که رسیدیم باید یک پاسخ برای آن پیدا می‌کردیم و از دل این مصاحبه‌ها به یک چشم‌انداز اولیه رسیدیم که اهالی کشتی منتق القول صورت گرفت، سند راهبردی تنظیم شد.

اشاره کردید که برای تهیه این برنامه سراغ سایر فدراسیون‌ها فرستادیم اما هیچ کدام از فدراسیون‌ها برنامه‌های بلندمدت یا برنامه‌ت‌ن‌داشتند و ۲ فدراسیون تنها برنامه‌اعزام‌هایشان را داشتند!

بله، در جلسه‌ای که با مسئولان وزارت ورزش به عنوان متولی اصلی ورزش کشور داشتیم، اعلام کردند وقتی از فدراسیون‌های مختلف برنامه خواسته‌اند، هیچ فدراسیونی برنامه مدون بلندمدت یا کوتاه‌مدتی نداشته و تنها چند برنامه‌های چند برگه برنامه‌اعزامی ارائه کرده‌اند. این در حالیست که صد سال است در ایران نظام برنامه‌ریزی توسعه‌ای داریم و اولین برنامه توسعه در سال ۱۳۲۷ تنظیم شده اما تا به الان که در سال ۱۳۹۹ هستیم در حوزه ورزش هیچ کاری در بخش برنامه‌ریزی نکرده‌ایم و ورزش کاملاً مبتنی بر شخص پیش‌رفته و شخص محور بوده است. کشتی به عنوان ورزش اول، اولین رشته‌های است که برنامه‌محور می‌شود و پس از تدوین سند راهبردی هشت ساله به دنبال نوشتن برنامه ۲۰ ساله ورزش کشتی هستیم.

وسؤال پایانی، ضمانت اجرایی این برنامه چیست و بعد تدبیری اندیشیده شده که رئیس‌های تیم هم که آمد آن را اجرا کنند، به خصوص با تغییراتی که در سطح مدیریت فدراسیون‌ها صورت می‌گیرد، هر مدیر چارچوب و سبک خاص خودش را دارد و ممکن است برنامه‌های رئیس قبلی با وجود تلاش‌ها و پژوهش‌هایی که برای نوشتن این صورت گرفته، کنار گذاشته شود و اجرائی نشود.

ضمانت اجرایی سند کشتی به این برمی‌گردد که رئیس بعدی که به جای آقای دبیر می‌آید آیا قائل به برنامه‌است یا نه؟ واقعیت این است که همه چیز به سبک و روش رئیس‌بعدی بستگی دارد.

گفت‌وگو دنیاچندری

برنامه‌ریزی مهم‌ترین فاکتور برای نیل به موفقیت است که راه رسیدن به اهداف را هموارتر می‌کند. البته به شرط آنکه به طور صحیح انجام شود. در واقع برای موفقیت باید همه کارهایی که کمکی است برای رسیدن به هدف لیست شود و بر اساس اولویت‌بندی یک به یک وی‌کی‌م و کاست انجام شود. در این بین اما یکی از بهترین برنامه‌ریزی‌ها، برنامه‌ریزی بلندمدت است که مهم‌ترین مسئله‌ای که در ورزش ایران کمترین توجهی به آن نمی‌شود و به همین دلیل است که موفقیت‌ها همواره با فرازونشیب بسیار همراه است یا به صورت گلچین‌های و اتفاقی بروز می‌کند و بر اساس توانمندی‌های فردی گاهی شکوفا می‌شود؛ چراکه به گفته هاشمی‌طیبا، رئیس اسبق تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک، در ورزش ایران نمی‌توان برنامه‌ریزی بلندمدت کرد تا زمانی‌کیه ورزش و تربیت بدنی از مدارس و به شکل کاملاً اصولی پیگیری نشود.

برنامه‌ریزی بلندمدت بدون شک لازمه موفقیت است اما چرا در ورزش ایران هرگز شاهد آن نبوده‌ایم؟

برنامه‌ریزی بلندمدت تعریف خاصی دارد و به دلیل همین تعریف خاص نمی‌توان در ورزش ایران برنامه‌ریزی بلندمدت انجام داد. برنامه‌ریزی بلندمدت در ورزش از مدارس شروع می‌شود؛ چراکه زمینه ورزش قهرمانی باید از کودکی مهیا شود. به همین دلیل هم است که در مدارس اروپایی کلا ورزش جزو درس برنامه‌ریزی محسوب می‌شود و حتی در فرانسه یک سوم ساعت‌های درسی ورزش و تربیت بدنی است. معنی تربیت بدنی تنها تربیت بدن نیست، بلکه تربیت انسان‌ها از طریق اعمال فیزیکی و ورزشی است و طبیعتاً دانش آموزی که شش سال به طور مرتب تمرین و ورزش کرده نه فقط انسان برجسته‌ای می‌شود و از لحاظ بدنی هم در سن ۱۱،۱۲ سالگی آماده‌است که احداث یکی از ورزش‌های شننا، ژیمناستیک یا دوومیدانی را آموخته و این پایه برنامه‌ریزی درازمدت است.

یعنی بدون آموزش اصولی از سن ۱۲ تا سالگی نمی‌توان برنامه‌ریزی بلندمدت انجام داد؟

بله، وقتی در این راستا توانیم درست و اصولی قدم برداریم و عمل کنیم، بقیه حرف‌هایی که در این رابطه زده می‌شود که چه کنیم، چه نکنیم بعد از این مرحله است. یعنی اگر این مرحله اتفاق بیفتد برنامه‌ریزی درازمدت معنی دارد و اگر این اتفاق رخ ندهد، هیچ برنامه‌ای نمی‌تواند جایگزین شود. یعنی حتی اگر تشکیلات مختلفی را هم ردیف و هزینه‌کنند اما چون یک چله‌های مملکت ۱۲ تا سالگی به آن آمادگی که باید ترسیده و روابط تربیت بدنی ملکه و وجودی آنها نشده، بقیه برنامه‌ها خاصیتی را که باید، ندارند.

ژاپنی‌ها برنامه‌ریزی کردند که سال ۲۰۵۰ قهرمان جهان شوند. فکر می‌کنید ورزش ایران هم بتواند روزی چنین برنامه‌ریزی‌ای را انجام دهد؟

زاین اصلاً وزارت ورزش ندارد و همه آن در آموزش و پرورش متمرکز است. وقتی آنها به پایه‌های خود توجه می‌کنند یعنی برای برنامه‌ریزی‌های خود پایه‌ریزی می‌کنند و وقتی بچه‌هایشان را از سن شش تا ۱۲ سالگی با برنامه‌ای جامع تربیت می‌کنند یعنی برانکده‌گری نمی‌کنند و می‌توانند روی آنها برای به نتیجه رسیدن برنامه‌ریزی‌های خود حساب کنند و اهدافشان را پیش ببرند. اما آیا ما شرایط مشابهی را دنبال می‌کنیم که انتظارات مشابهی داشته باشیم؟ اما زمانی‌که رئیس تربیت بدنی بودید، زمانی که مسئولیت داشتیم اقداماتی نظیر شناسایی و پرورش استعدادها، ایجاد پایگاه‌های قهرمانی و امکانات ورزشی در سراسر کشور و تمام شهرهای بالای ۱۰ هزار نفر، آموزش سراسری برای همه مربیان در سراسر کشور (یک روز در ماه) و تدوین شیوه‌های سنجش آمادگی جسمانی در سراسر کشور را انجام دادیم. البته این تنها کار شخص من نبود و طی جلسات متعدد با رؤسای هیئت‌ها، فدراسیون‌ها و همکارانمان در تربیت بدنی و بررسی‌های بسیار انجام شده بود ولی باز هم منظور

آسیب‌شناسی نداشتن برنامه‌ریزی بلندمدت برای ورزش

در گفت‌وگوی «جوان» با مصطفی هاشمی‌طبا، رئیس سابق کمیته ملی المپیک

بدون توجه به مدارسی امکان برنامه‌ریزی نیست



دردیاریختن برنامه‌های میان‌مدت ۵-۴ ساله که مدیر بعدی هرگز در ادامه مسیر آن کام برنمی‌دارد.

تقریباً می‌توانم بگویم که ما به آن معنا برنامه چهار، پنج ساله هم نیاز نداریم. یعنی در سازمان تربیت بدنی قبل و وزارت ورزش بعد برنامه‌ای برای کار نداشتیم و الان هم به نظم هیچ برنامه‌ای وجود ندارد و آنچه شاهدش هستیم، تلاش‌های پراکنده مربیانی است که بعضاً در مدارس کار می‌کنند یا مسابقاتی است که همه به عنوان یک مجموعه و برنامه مطرح می‌شود اما در واقع هیچ کدام ابعاد و پیگیری‌های لازم را ندارند که بتوان به صورت یک سیستم جامع مطرح کرد که همه بایدند اجرای آن باشند. در واقع می‌خواهم اینطور بگویم که ما حتی شاهد برنامه‌ریزی‌های سه یا چهار ساله یک مدیر هم نبوده‌ایم و تنها مدیرانی بودند که آمده‌اند آشنا شوند و ببینند داستان چیست و بعد هم دورشان تمام می‌شود

و می‌روند، همین ویس با توجه به اینکه هم سابقه مدیریت داشته‌اید هم برنامه‌ریزی برای موفقیت، فکر می‌کنید اگر امروز بخواهیم گامی در این راستا برداریم با شرایط موجود چه باید کرد؟

اگر بخواهیم یک برنامه‌ریزی جامع برای ورزش کل کشور انجام دهیم باید اول از همه اصول پایه‌ها را رعایت کنیم و در غیر این صورت بیشتر از آن چیزی که قبلاً انجام دادیم، نمی‌توانیم انجام دهیم. اما اگر قصدی برای برنامه‌ریزی داشته باشیم باید چند سرفصل را بی‌گیریم که از جمله آن پایه‌گذاری لیگ سراسری در ۴ رشته است که می‌تواند در سراسر کشور انگیزه ایجاد کند. در واقع مسابقات سراسری باید در کورن مسابقات ساخته شوند و اینطور نیست که ما یک تعدادی از تمرین بدهیم و بگوییم شما ورزشکاران خوبی هستید. دامنه ورزش باید وسعت پیدا کند و دامنه ورزش را قبل از هر چیز در مدارس باید وسعت دهیم. با آموزش به دانش‌آموزان و پایه‌ها، چراکه در این صورت آفتدر علاقه‌مند پیدا می‌شود که می‌توان به سدگی استعدادیابی کرد و آنها را پرورش داد.

با این توجه نگاه مدیران برای پیشبرد اهداف و میراث گذشته‌گان که به موفقیت ورزش ختم می‌شود نیز شرط است.

بله، مسئله مهم حضور مدیران دلسوز، کاربلد و توانمند در ورزش است نه مدیری که تنها جلوی پای خود را می‌بیند. برای نمونه چرا باید بعد از ما، کارهایی که انجام می‌شد تعطیل شود؟ آموزش مربیان نه بودجه‌ای لازم داشت و نه هزینه‌ای. وقتی همه دانشگاه‌ها کمک می‌کردند و هم متخصصان و هم مربیان سر کلاس می‌رفتند و به دانشی که داشتند اضافه می‌شود. اما تعطیل شد؛ چراکه علاقه‌ای برای دنبال شدن نداشت و به همین دلیل هم هست که می‌گویم برنامه‌ای وجود ندارد. مدیران باید همه ایران را به یک چشم نگاه کنند. مدیران ما در ورزش استان‌ها باید خودشان وزیری باشند برای خودشان و حقیقتاً باید آفتدر اختیار و روش کار سهل به آنها داد که بتوانند با همکاری هیئت‌ها قدم‌های مثبت بردارند و برنامه‌های هدفدار را دنبال کنند اما واقعیت این است که یک عده دارند برای خودشان کار می‌کنند باید در این راه عشق به کار داشت. عشق به ایران داشت. عشق به تک‌تک جوانان سراسر کشور داشت و هر کدام از اینها که در وجود مدیران نباشد معلوم است که کارش اثری ندارد.

با این وجود اما فدراسیون کشتی برنامه‌ریزی ۸ساله‌ای برای نتیجه‌گیری در دو المپیک بعدی کرد و این وی تواند اتفاق خوبی باشد.

من برنامه فدراسیون کشتی را ندیدم که تحلیل خود را در خصوص آن ادامه دهم اما همین اندازه بگویم که برنامه‌ریزی دانشگاهی تا زمانی که شرایط و اصول کار فراهم نباشد، نمی‌تواند جواب دهد. البته به نظر منده، اما روی حرف‌های خود دبیر صحبت می‌کنم که گفته بود زمان ما یک میلیون کشتی‌گیر بود و الان ۴۰ هزار نفر! از قیل از هر چیز باید در روستا و اصالح این مشکل قدم برداد. باید انگیزه ایجاد کند. انگیزه چطور ایجاد می‌شود؟ با برگزاری یک لیگ سراسری شامل ۱۶ تیم از ۱۶ استان و سراسر کشور و اگر در این امر موفق بود، یقیناً می‌تواند به هدفش برسد چون لیگ جدا از ایجاد هیجان و رقابت، ایجادکننده انگیزه نیز است. اما برگزاری یک لیگ متمرکز با چهار تیم که لیگ نیست و تا وقتی لیگی پویا و پربار نداشته باشیم نمی‌توانیم انتظاری برای موفقیت داشته باشیم.

که باید به نتیجه ترسید. چون ما هم به آموزش و پرورش دسترسی نداشتیم و وقتی آمادگی بچه‌ها را از مدارس نمی‌توانیم به طور کامل اجرا کنیم، بقیه کارهایی که به اسم برنامه‌ریزی بلندمدت انجام می‌دهیم جواب نمی‌دهد و بیشتر کاغذ سیاه کردن است که خیلی هم مد شده است. همانطور که برنامه پنج ساله‌ای برای کل کشور نوشته شده و مجلس هم تأیید کرده است اما بیش از ۱۵،۱۰ درصد آن اجرا نشده که بدون برنامه‌ریزی پنج ساله هم به طور طبیعی و با کار اجرائی که بقیه انجام می‌دادند همین ۱۰،۱۵ درصد انجام می‌شد و به همین دلیل تلاش‌های ما هم می‌گویم که برنامه نداریم.

یعنی بر این باور هستید که برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده‌ای که به گفته خودتان با مسولان کار و بررسی و جلسات متعدد با مسولان مختلف انجام شده بود هم آن نتیجه‌ای که باید را نداد؟

هر چند که بعد از پایان کار ما آن داستان که می‌توانست ادامه پیدا کند نابسامان شد اما واقعیت این است که هیچ برنامه‌ای بدون برنامه جامع تربیت بدنی در مدارس قابلیت اجرایی و انجام ندارد. یعنی مسا اول باید به فکر آموزش عمومی ورزش و تربیت بدنی برای پایه‌ها و بچه‌ها در مدارس باشیم تا آنها به صورت آماده وارد سن ۱۲ سالگی بشوند و بعد به رشته‌های مختلف روی آورند و بتوانند با فعالیت‌های خود به سوی موفقیت گام بردارند و گرنه برنامه‌هایی که امروز بخواهیم با شرایط موجود کشور تدوین کنیم و روی کاغذ بیاوریم یک جای آن خوب است و جای دیگرش نه. یعنی در برخی رشته‌ها و باشگاه‌های کوچک، و پرانکده نظیر کاراته و وووشو و تکواندو یا بدنسازی که در سطح باشگاه‌های کوچک دارند کارشان را انجام می‌دهند می‌توانیم عملکرد نسبی و خوبی داشته باشیم اما اگر بخواهیم یک برنامه‌ریزی جامع برای کل ورزش کشور انجام دهیم نمی‌توانیم موفق باشیم و تلاش هایمان ایتر می‌شود و چیزی جز پرانکده کاری نیست. هر چند از هیچ بهتر است اما کم فایده است و به همین دلیل هم انجام دادیم. اما ما به کار برافایده نیاز داریم نه کم‌فایده.

با این وجود به نظر می‌رسد که برخی ناگامی‌ها به دلیل تغییرات متعدد مدیریتی است. یعنی هر مدیری به انجام برنامه و کارهای خود اصرار



اگر بخواهیم یک برنامه‌ریزی جامع برای ورزش کل کشور انجام دهیم باید اول از همه اصول پایه‌ها را رعایت کنیم و در غیر این صورت بیشتر از آن چیزی که قبلاً انجام داد یسم، نمی‌توانیم انجام دهیم. اما اگر قصدی برای برنامه‌ریزی داشته باشیم باید چند سرفصل را بی‌گیریم

اگر بخواهیم یک برنامه‌ریزی بلندمدت تعریف خاصی دارد و به دلیل همین تعریف خاص نمی‌توان در ورزش ایران برنامه‌ریزی بلندمدت انجام داد. برنامه‌ریزی بلندمدت در ورزش از مدارس شروع می‌شود؛ چراکه زمینه ورزش قهرمانی باید از کودکی مهیا شود. به همین دلیل هم است که در مدارس اروپایی کلا ورزش جزو درس برنامه‌ریزی محسوب می‌شود و حتی در فرانسه یک سوم ساعت‌های درسی ورزش و تربیت بدنی است. معنی تربیت بدنی تنها تربیت بدن نیست، بلکه تربیت انسان‌ها از طریق اعمال فیزیکی و ورزشی است و طبیعتاً دانش آموزی که شش سال به طور مرتب تمرین و ورزش کرده نه فقط انسان برجسته‌ای می‌شود و از لحاظ بدنی هم در سن ۱۱،۱۲ سالگی آماده‌است که احداث یکی از ورزش‌های شننا، ژیمناستیک یا دوومیدانی را آموخته و این پایه برنامه‌ریزی درازمدت است.

یعنی بدون آموزش اصولی از سن ۱۲ تا سالگی نمی‌توان برنامه‌ریزی بلندمدت انجام داد؟ بله، وقتی در این راستا توانیم درست و اصولی قدم برداریم و عمل کنیم، بقیه حرف‌هایی که در این رابطه زده می‌شود که چه کنیم، چه نکنیم بعد از این مرحله است. یعنی اگر این مرحله اتفاق بیفتد برنامه‌ریزی درازمدت معنی دارد و اگر این اتفاق رخ ندهد، هیچ برنامه‌ای نمی‌تواند جایگزین شود. یعنی حتی اگر تشکیلات مختلفی را هم ردیف و هزینه‌کنند اما چون یک چله‌های مملکت ۱۲ تا سالگی به آن آمادگی که باید ترسیده و روابط تربیت بدنی ملکه و وجودی آنها نشده، بقیه برنامه‌ها خاصیتی را که باید، ندارند.

ژاپنی‌ها برنامه‌ریزی کردند که سال ۲۰۵۰ قهرمان جهان شوند. فکر می‌کنید ورزش ایران هم بتواند روزی چنین برنامه‌ریزی‌ای را انجام دهد؟